

در جست و جوی گذشته‌ای معدوم‌شده



سوسن سیرجانی

خبرنگار گروه فرهنگ

در سال ۲۰۱۷ دیوید گرن، روزنامه‌نگار آمریکایی با استفاده از اسناد افبی‌آی که در ابتدا اداره تحقیقات نام داشت، توانست کتاب «قاتلان ماه گل» را درباره قتل‌های زنچیره‌ای سرخوستان اوسج در اوایل قرن بیستم در یکی از مناطق آمریکا بنویسد. کتابی که منبع اقتباس آخرین فیلم مارتین اسکورسیزی شد و توانست توجه جهان را به یک بخش مغفول‌مانده از تاریخ جلب کند. بخش بزرگی از تحقیقات این کتاب غیرداستانی از روی اسناد موجود در افبی‌آی صورت گرفته بود. اسنادی که مربوط به بیش از ۱۰۰ سال گذشته بود و دقیقاً مربوط به روزهای ابتدایی شکل‌گیری نهاد تحقیقاتی و کارآگاهی افبی‌آی می‌شد. شبیه به کتاب «قاتلان ماه گل» و شکل تحقیقی این کتاب در ادبیات جهان کم نیست. در ایران اما پرونده‌های جنایی واقعی چندان جایی در ادبیات ندارند. چون اگر قرار باشد درباره یک پرونده جنایی که چندان هم قدیمی نیست و مربوط به دهه ۶۰ شمسی است تحقیقی صورت بگیرد، اصلاً راه همواری در پیش نیست. اولین قدم برای تحقیق درباره یک پرونده جنایی در ایران، سرزن به اداره آگاهی است. جایی که محل پیگیری چنین پرونده‌هایی است. اما زمانی که جلوی ورودی آگاهی از سرباز نگهبان بپرسید: «بخش اسناد و پرونده‌های قدیمی آگاهی کجاست؟» با جوابی عجیب روبه‌رو می‌شوید: «مایخس اسناد نداریم». در مرحله بعدی افسر جانشین وقتی نامه درخواست همکاری با پژوهش را می‌بیند، می‌خندد و می‌گوید: «اسنادی وجود ندارد». موضوع درخواست برایشان جالب است، به همین دلیل با خوش‌رویی به اتاق ریاست آگاهی ارجاع داده می‌شوید. «طبق قانون هر ۱۰ سال یک‌بار پرونده‌ها و نامه‌های اداری معدوم می‌شوند.» این جمله را سرهنگ اداره آگاهی می‌گوید و دو افسر که در اتاق نشسته‌اند، تأیید می‌کنند. این قانون در بسیاری از ادارات دولتی دیگر هم وجود دارد. اما اگر قرار باشد درباره یک پرونده جنایی قدیمی تحقیق صورت بگیرد، باید چه کرد؟ سرهنگ نگاهی دیگر به نامه درخواست همکاری با پژوهش می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه با معدوم کردن پرونده‌ها، بیشتر اطلاعات آنها از بین می‌رود. مگر اینکه سراغ افسران و کارآگاهان قدیمی آگاهی بروید تا به‌صورت شفاهی از خاطرات‌شان برای شما بگویند.» او خودش هم از این موضوع ناراضی است و با اشاره به اینکه در کشورهای خارجی با نگهداری این پرونده‌ها در نوشتن کتاب و مستندسازی، اتفاقات جالب‌توجهی می‌افتد، می‌گوید: «در این سال‌ها که اداره آگاهی به وجود آمده، انقدر جابه‌جایی صورت گرفته که بسیاری از آن پرونده‌های جنایی در این روند هم نابود شده‌اند.» اما پس تکلیف پرونده‌های جذاب و انهایی که بخش بزرگی از افکار جامعه را تحت‌تأثیر خود قرار داده، چه می‌شود؟ پژوهشگری که می‌خواهد درباره یک پرونده جنایی تحقیق کند و ابعاد آن را بررسی کند، هیچ سند مکتوبی جز روزنامه‌ها و گزارش‌های ساختار‌بندی‌شده توسط رسانه‌ها ندارد؟ اوضاع وقتی بدتر می‌شود که دنبال پرونده‌هایی مربوط به دوران پهلوی اول باشید. دورانی که سانسورچی‌ها اجازه نمی‌دادند اطلاعات یک پرونده جنایی خارج از محدوده تعیین‌شده توسط شهرداری، در اختیار روزنامه‌ها قرار بگیرد. موضوع تنها بر سر آرشيو اسناد آگاهی هم نیست، اگر به‌دنبال سندی درباره مسائل دیگر هم باشید، باید به اداره مربوط مراجعه‌شود یا مرکز اسناد. ادارات دیگر هم که از قانون ۱۰ سال پیروی می‌کنند، می‌ماند مرکز اسناد. در این مرکز هم اگر سندی وجود دارد معمولاً اهدایی است و آرشيو آن از دوره‌ای به بعد ناقص است. این نقص در مسیر مستندسازی تاریخی یک چالش بزرگ محسوب می‌شود که معمولاً کار پژوهشگر را از چیزی که هست، سخت‌تر می‌کند. از طرفی با علاقه عمومی که در سال‌های اخیر نسبت به تاریخ و پرونده‌های تاریخی و جنایی در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته، شاهد رشد راه‌اندازی صفحات متعدد با این ساختار در اینستاگرام هستیم. صفحاتی که مدام درباره وقایع تاریخی و پرونده‌های جنایی پراساس شنیده‌ها و اطلاعات محدود روزنامه‌ها و گزارشات موجود، مواردی را به‌صورت کوتاه و گذرا در اختیار مخاطب فضای مجازی قرار می‌دهند. این علاقه عمومی به کشف واقعیت و حقیقتی برمی‌گردد که عموم مردم در سال‌های اخیر فکر می‌کنند از دید آنها پنهان مانده. اما اگر پرونده‌های جنایی و تاریخی به همین راحتی هر ۱۰ سال یک‌بار معدوم شوند، از چند سال دیگر با این صفحات، با حجم زیادی از واقعیت‌های تحریف‌شده درباره پرونده‌های تاریخی جنایی و اتفاقاتی که زیرپوست شهر در جریان بوده روبه‌رو هستیم که دیگر از محققان و تاریخ‌نگاران هم برنمی‌آید که آنها را تصحیح کنند.

۱۶ ساعت 24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمدزیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



فکس Barcelona

تجلی دوباره «شانا»

بررسی مسیر قهرمانی پاری سن ژرمن با تغییر رویکرد مدیران قطری



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

«من انسان خوشبختی هستم که توانستم به‌عنوان پدر ۹ سال در کنار دخترم شانا باشم. از اینکه جسم او دیگر با ما نیست، غمگینم ولی افتخار و خوش‌شانسی من است که همراه با چنین دختر زیبایی ۹ سال خاطره‌سازی کردم. ایمان دارم شنبه‌شب بعد از قهرمانی پاری سن‌ژرمن، او در کنار من است». بخشی از صحبت‌های لوییژ انریکه، پیش از برگزاری فینال لیگ قهرمانان اروپا در مونیخ کافی بود تا هواداران «خاکستری» فوتبال هم طرفدار تیم پاری سن‌ژرمن در دیدار پایانی این رقابت‌ها باشند. شخصیت والای انریکه که از سخت‌ترین و شاید بدترین اتفاق زندگی‌اش (درگذشت دخترش) به خوبی خارج شد و توانست از آن یک دستاورد مهم بسازد، اقبال عمومی نسبت به او را در برداشت. شنبه‌شب همان سناریوی محبوب هواداران فوتبال در سرتاسر دنیا اجرا شد و پاریسی‌ها در یکی از بی‌نقص‌ترین شب‌های خود موفق شدند باران مهدی طارمی را با حساب پنج بر صفر شکست دهند و جام قهرمانی را برای اولین‌بار بالای سر ببرند. در این گزارش قصد داریم روند موفقیت پاری سن‌ژرمن را که در نهایت پول‌های نفتی ناصرالخلیفی برایشان جوبگو بود، مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

انگیزه مضاعف انسانی

نه‌تنها تغییر نگرش پاریسی‌ها در جذب بازیکن بلکه ذهنیت برنده لوییژ انریکه در پاری سن‌ژرمن، جواب داد و این تیم را به یکی از تکنیکی‌ترین تیم‌های قاره اروپا تبدیل کرد. انریکه همیشه در نشست‌های خبری از کیفیت بالای تیم‌اش و البته یک‌دست بودن بازیکن‌ها سخن می‌گفت. در نشست‌های خبری اگر کارآموز ۱۴ ساله‌ای را می‌دید، با دقت به سوال این خبرنگار کوچک کارآموز، گوش می‌کرد و سوالش را پاسخ می‌داد. نگاه انسانی انریکه، به مخاطب چنین القاء می‌کرد که زندگی از فوتبال و حواشی‌اش اهمیت بیشتری دارد. به همین دلیل بود که بعد از درگذشت دختر ۹ ساله‌اش به‌اسم شانا در سال ۲۰۱۹ که حتی منجر به استعفاي انریکه از هدایت تیم ملی اسپانیا شده بود، او قوی‌تر از قبل بازگشت و اتفاقاً این‌بار با انگیزه‌ای مثال‌زدنی تیم‌اش را تا فینال هدایت کرد. انریکه بنیادی را به‌نام دختر مرحوم‌اش تأسیس کرد تا افراد بی‌سریست و بدسریست آنجا زندگی کنند و آموزش ببینند. تصاویر زیبایی از او و دخترش بعد از قهرمانی بارسلونا در شهر برلین در سال ۲۰۱۵، در شبکه‌های اجتماعی دوباره فراگیر شد و حالا بدون شانا، بازهم تیم پدرش به مقام قهرمانی در اروپا رسید. چقدر جالب که این‌بار هم در کشور آلمان این مهم رقم خورده است. پاریسی‌ها به‌جای ریخت‌وپاش در جذب ستاره‌های بی‌بدیل دنیا، سعی کردند تیمی بسازند که ستاره‌محور نباشد و تمام ۱۱ بازیکن برای موفقیت و قهرمانی تیم تلاش کنند. نه اینکه ۱۰ بازیکن دیگر، فقط برای گلزنی یک‌بازیکن دوندگی داشته باشند. در راستای تغییر سیاست‌های پاریس، این باشگاه هیچ تلاشی مبنی بر تمدید قرارداد با مسی، نیمار و امپایه نکرد تا در نهایت بتوانند تیم مدنظر انریکه را بسازند. ابتدای فصل بود که این باشگاه موفق شد با یکی از مستعدترین فوتبالیست‌های دنیا به‌اسم «دزیره دونه» ۱۹ ساله قرارداد ببندد و همین امر در نهایت باعث شد تا او در فینال لیگ قهرمانان دو بار گلزنی کند و یک پاس گل بدهد. دزیره دونه، بازیکن تیم زیر ۲۳ سال فرانسه، نقشی کلیدی در راهیابی تیم تیری آنری به فینال داشت. هر چند در نهایت در فینال مقابل اسپانیا شکست خوردند. باینر مونیخ به‌شدت دنبال خرید این بازیکن بود اما الخلیفی و لوئیز کمپوس توانستند این بازیکن را به پی‌اس‌جی بیاورند. زمانی که سر مربی اسپانیایی تیم در حال مصاحبه با خبرنگاران در کنار زمین بود، ناصرالخلیفی ناگهان وارد مصاحبه شد، لوئیس انریکه را در آغوش گرفت و به‌صورت علنی از او تمجید کرد. رئیس پاری سن‌ژرمن گفت: «او بهترین مربی

جهان است و تمام اسپانیایی‌ها باید به داشتن چنین مربی‌ای افتخار کنند. او بهترین مربی و بهترین انسان است». لوئیس انریکه نیز در واکنش به این تحسین‌ها، با سپاسگزاری گفت: «من به لطف لوئیس کامپوس به پی‌اس‌جی آمدم، او اولین کسی بود که تصمیم گرفت مرا برای پاری سن‌ژرمن جذب کند و رئیس باشگاه همیشه فارغ از نتایج که تقریباً همیشه هم خوب بوده‌اند از من حمایت کرده است. واقعاً لحظه بسیار زیبایی است.»

پشت کردن به پول، خوشبختی آورد

طی یک‌دهه اخیر پاری سن‌ژرمن به‌دلیل نفوذ اعراب متمول، از تیم‌های منفور اروپا محسوب می‌شدند. باشگاهی که فقط بابت جذب نیمار جونیور برزیلی، مبلغ ۲۲۲ میلیون یورو هزینه کرد تا ستاره بارسلونا را به چنگ خود در بیاورد. «ناصرالخلیفی» به‌شکل جنون‌آمیزی در حال خرج کردن بود تا یکی از رویایی‌ترین تیم‌های ممکن را برای مردم پاریس بسازد. در واقع بهتر است اینطور گفته شود که باشگاه پاریس برای به خدمت گرفتن همزمان مسی، در اختیار داشتن امپایه و قرارداد دوساله با نیمار، بیش از ۱۰۰ میلیون یورو هزینه کرد. ۱۰۰ میلیون هزینه‌ای که برای آنها دستاورد بزرگی در قامت قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا نداشت. قهرمانی در لیگ فرانسه برای آنها افتخار چالش‌برانگیزی نبود چرا که بدون مسی، نیمار و امپایه هم پاریس به این مهم دست یافته بود. در سال ۲۰۲۱، الخلیفی گفته بود که همه بازیکنان بزرگ می‌خواهند به پی‌اس‌جی بپیوندند و در ادامه لیونل مسی به جمع نیمار و امپایه در این باشگاه فرانسوی اضافه شد، اما پس از رفتن مسی به اینتر میامی، انتقال نیمار به الهلال، سپس سانتوس و پیوستن امپایه به رئال مادرید، پی‌اس‌جی دوباره خودش را به‌عنوان تیمی بازسازی کرد که از مجموع بازیکنانش قوی‌تر است و این شاید فقط آغاز راه باشد. همین نگاه بود که باعث شد شنبه‌شب پاریس در یک‌طرفه‌ترین فینال‌های تاریخ لیگ قهرمانان اروپا با حساب پنج بر صفر از سد اینتر با هدایت اینزآگی عبور کنند.

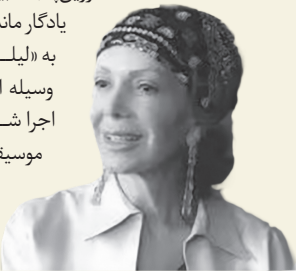
تنیس باز قطری مغز متفکر پاریسی‌ها

یکی از دلایلی که پاری سن‌ژرمن از نگاه هوادارها افتاد، سرمایه‌گذاری قطری‌ها روی این تیم بود. افریق نیست اگر بگوییم پاری سن‌ژرمن تنهاترین تیم باشگاهی در کشور فرانسه است، چون فرانسوی‌ها می‌گویند، این تیم برای کشور فرانسه نیست و باید به کشور قطر برود اما شنبه‌شب پاریس با قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا اعتبار ویژه‌ای به مردم فرانسه بخشید. قهرمانی یک تیم فرانسوی آن هم در بزرگ‌ترین رویداد باشگاهی جهان، افتخار بزرگی محسوب می‌شود. «پی‌اس‌جی» پس از ۱۴ سال سرمایه‌گذاری قطری‌ها به مهم‌ترین هدفش یعنی فتح لیگ قهرمانان رسید و این بدون درایت ناصرالخلیفی ممکن نبود. او در کنار نقش پررنگ مدیریتی که در باشگاه فرانسوی ایفا کرد، دانش بالایی در رسانه و شبکه‌های اجتماعی دارد. مدیریت رسانه تخصص اصلی اوست. الخلیفی به‌عنوان رئیس هیئت‌مدیره گروه رسانه‌ای بین این اسپورتنس فعالیت می‌کند: گروهی پیشرو در حوزه ورزش، رسانه و سرگرمی که در ۴۳ کشور جهان فعالیت دارد. تحت رهبری او، «پی‌اس‌جی» استودیوی هالیوودی میرامکس و بزرگ‌ترین پلتفرم ورزشی و سرگرمی ترکیه، دیجی‌ترک را خریداری کرد و او ریاست هر دو را برعهده دارد. علاوه بر تمام فعالیت‌های رسانه‌ای، او رئیس فدراسیون تنیس، اسکواش و بدمینتون کشور قطر است و همزمان هر سه فدراسیون را به‌صورت مجزا مدیریت می‌کند و بر دو تورنمنت بزرگ تنیس ATP و WTA نظارت دارد. او همچنین رئیس پدل، یکی از سریع‌ترین ورزش‌های در حال رشد جهان، است. الخلیفی خود سال‌ها تنیس‌باز حرفه‌ای بود و در جام دیوس نماینده قطر بوده است. بعد از قهرمانی منچسترستی در لیگ قهرمانان که با مدیریت اماراتی‌ها همراه شده بود، این‌بار قهرمانی پاری سن‌ژرمن، شیخ‌نشین‌های قطری را بیش از پیش خوشحال کرد که یکی از تیم‌های تحت مالکیت یک فرد قطری توانسته به چنین افتخاری دست یابد. یک‌ونیم‌دهه مدیریت قطری‌ها سرانجام یک جام اروپایی و البته معتبرترین‌اش را برای آنها با ارمغان آورد.

چهره

بنیان‌گذار ارکستر بانوان درگذشت

مهین؛ فرزند نصرالله زرین‌پنجه، نوازنده تار و سه‌تار و صفیه یگانه، نوازنده تار و تنبک بود. این هنرمند تحصیلات خود را در هنرستان موسیقی ملی آغاز کرد و موسیقی را نزد اساتید شناخته‌شده از جمله ابوالحسن صبا، روح‌الله خالقی، حسین تهرانی و جواد معروفی آموخت. زرین‌پنجه جزو اولین فارغ‌التحصیلان هنرستان موسیقی ملی بود. او سپس به نواختن موسیقی کلاسیک اروپایی روی آورد و برای آموزش ساز پیانو نزد امانوئل ملیک اصلاتیان شاگردی کرد. مهین زرین‌پنجه پس از مدتی به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد و گروهی به‌نام «ارکستر بانوان» تشکیل داد که خود سرپرستی آن را برعهده گرفت. او پس از انقلاب به آمریکا مهاجرت کرد. از مهین زرین‌پنجه بیش از ۶۰ قطعه موسیقی به یادگار مانده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «ایلیسی و مجنون» اشاره کرد که به وسیله ارکستر فیلارمونیک لهستان اجرا شده است. مهین زرین‌پنجه موسیقیدان، آهنگساز و نوازنده پیانو صبح دبروز ۱۱ خردادماه در متل قو درگذشت.



کتابخانه

اعتماد در دوران پساحقیقت

درن ج. لیلکر، دانشیار رشته ارتباطات سیاسی در دانشگاه بورنموث انگلستان و نویسنده کتاب «شناخت و ارتباطات سیاسی» است. بیلور اسلان اوزگول، مدرس دانشگاه برنول لندن در انگلستان در رشته ارتباطات سیاسی است. این دو محقق علوم سیاسی در یک نظریه مشترک، کتاب «روانشناسی دموکراسی» را درباره حقیقت دموکراسی در دنیای امروز و در مواجهه با پیوپلیست منتشر کرده‌اند. در توضیح کتاب آمده: «درک روانشناسی دموکراسی به ما اجازه می‌دهد تا انواع چالش‌هایی را که نهاد‌های دموکراتیک در حال حاضر با آن‌ها مواجه‌اند، شناسایی کنیم. به‌نظر نمی‌رسد این نهادها انتظارات مردم‌رادر



روانشناسی دموکراسی
نویسندگان:
درن ج. لیلکر و
بیلور اسلان اوزگول
مترجم: نازی اکبری
نشر: ققنوس

زمینه‌نماینده‌ی موثر آن‌ها برآورده کنند. ظاهراً آشپزوندان از دموکراسی روی گردانده‌اند، برخی را گروه‌های فشار غیردولتی که بر مسائل خاص تمرکز دارند بسیج می‌کنند و برخی دیگر را پیوپلیست‌هایی که با زبان بازی‌شان شکاف بین شهروندان و نمایندگان آن‌ها را که به‌نحو دموکراتیک انتخاب شده‌اند، عمیق‌تر می‌کنند. درحالی‌که دموکراسی باید با رقابت و هم‌آوردی همراه باشد. این کتاب در مجموعه روانشناسی همه‌چیز در نشر ققنوس به چاپ رسیده.

تاریخ

روز ایتالیا



در روز دوم ژوئن ۱۹۴۶، طی یک رفراندوم و با رأی مثبت مردم ایتالیا، حکومت سلطنتی ایتالیا سرنگون شد و کشور ایتالیا بعد از سال‌ها سلطه فاشیست‌ها، صاحب یک حکومت جمهوری شد.

خانواده سلطنتی نیز از کشور ایتالیا تبعید شدند. این روز، روز ملی ایتالیاست و در این روز جشن‌های رسمی و رژه ارتشی برگزار می‌شود. از جمله این مراسم می‌توان به قرار دادن یک حلقه ساخته شده از برگ بوهای تازه (گیاهی همیشه سبز و خوشبو) روی سنگ قبر سرباز گمنام اشاره کرد که هر ساله توسط رئیس‌جمهور انجام می‌شود. پیش از چنین تحوّل، ویکتور امانوئل سوم، شاه ایتالیا بود و سلطنتی ۴۶ ساله را تجربه کرد. او در ۹ مه ۱۹۴۶، به‌نفع و لیبعد که پس از آن به‌عنوان پادشاه اومبرتو دوم یاد می‌شد، از حکومت دست کشید اما با انتخابات ۲ ژوئن ۱۹۴۶، و وقتی جمهوری خواهان ۵۴ درصد آراء را به دست آوردند و ایتالیا به جمهوری تبدیل شد، تمام اعضای ذکور دودمان ساوی موظف شدند، کشور را ترک کنند و دیگر هرگز بازنگردند.